

عقیده‌ی اهل سنت و جماعت

تألیف:

محمد بن صالح العثیمین رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ:

إسحاق دبیری رحمۃ اللہ علیہ

این کتاب از سایت کتابخانه‌ی عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.shabnam.cc

www.kalemeh.tv

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.zekr.tv

www.mowahedin.com

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.nourtv.net

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه‌ی مترجم.....	۱
تقدیم.....	۳
مقدمه‌ی مؤلف.....	۵
عقیده‌ی ما.....	۷
(ارکان عقیده).....	۷
(تفصیل ایمان به خدا).....	۷
فصل (قاعده شناخت صفات خداوند متعال).....	۲۳
فصل (ایمان به فرشتگان).....	۲۵
فصل (ایمان به کتاب‌هاییکه بر پیامبران نازل شده است).....	۲۹
فصل (ایمان به پیامبران و حکمت فرستادن آنها).....	۳۳
فصل (ایمان به روز قیامت).....	۴۱
فصل (ایمان به قضا و قدر).....	۴۹
فصل (ثمرات و فایده‌های عقیده صحیح).....	۵۷

مقدمه‌ی مترجم

و به نستین و صلی الله علی محمد وآله و صحبه أجمعین.

سپاس خدایی را که در هر دوره و زمانی پس از پیامبران، عده‌ای از اهل علم را برمی‌گزیند تا کسانی را که همراه شده‌اند به سوی هدایت خداوندی دعوت کنند. آن‌ها بر اذیت و آزار مردم صبر و شکیبایی می‌کنند، با کتاب خدا - قرآن - مردگان را زنده می‌کنند، و با نور الهی، نابینایان را روشنایی و بصیرت می‌بخشند. چه انسان‌هایی که به دست شیطان کشته شده‌اند و اینان زنده‌شان کرده‌اند و چه بسیار گمراهان و گم‌شدگانی که راه هدایت را از آنان آموخته‌اند. چه آثار خوبی از آن‌ها که بر روح و جان مردم اثر گذاشته و چه تأثیر بد مردم بر آن‌ها.

آنان تحریف و تبدیل افراط و غلوکنندگان، و تأویل جاهلان و نادانان را از کتاب خدا برطرف می‌کنند. وای بر آنان که پرچم‌های بدعت را برافراشته‌اند و ریسمان فتنه را بر دوش گرفته‌اند، آن‌ها که در کتاب خدا اختلاف می‌اندازند و با آن مخالف هستند و بر جدایی از قرآن اجماع می‌کنند. بر خدا، در خدا، و در کتاب خدا، به دور از آگاهی و معرفت سخن می‌گویند، با زبان قرآن و مانند قرآن سخن می‌گویند، و نادانان را با مثل وماندها می‌فریبند. پس، از فتنه‌ی گمراهان به خدا پناه می‌بریم.

کتاب حاضر که به طور خلاصه عقیده‌ی اهل سنت و جماعت را بیان می‌کند به فارسی زبانان جهان تقدیم می‌شود.

امید است که خوانندگان محترم، کاستی‌ها و کمبودها را نادیده انگارند و عقیده‌ی اهل سنت و جماعت را از ضمیر پاک خود بیاموزند.
و صلی الله وسلم علی محمد وآله و صحبه و من تبعهم بإحسان إلى یوم الدین.

إسحق دبیری

ریاض - شعبان ۱۴۱۹هـ. ق

تقديم

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده وعلى آله وصحبه، أما بعد:

نوشته علامه بزرگ شيخ محمد بن صالح العثيمين را دیدم و مطالبش را که در عین اختصار بسیار مهم بود خواندم، و مشتمل بود بر بیان عقیده اهل سنت و جماعت در باب توحید خدا و توحید اسما و صفات او، و نیز ایمان به فرشتگان و کتابها و پیامبران و روز آخرت و قضا و قدر.

پی بردم که در گردآوری مطالب مذکور، موفق عمل کرده است؛ چنان که مسایل مورد نیاز در باره خدا، فرشتگان، پیامبران، کتابها، روز آخرت، و قضا و قدر را به خوبی بیان کرده، همچنین مطالب مفید مربوط به این عقاید را بر آن افزوده در حالی که ممکن است در کتب عقیده دیگر نباشد

خدا او را پاداش نیک دهد، و علم و هدایت به او عطا کند، و فواید این کتاب و سایر کتابهای او را به همگان برساند، و ما را از هدایت شدگان و دعوت کنندگان به سوی حق به وسیله علم و دانش و بصیرت بگرداند.

إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه

قاله مملیه الفقیر إلى الله تعالی:

عبدالعزیز بن عبدالله بن باز سامحه الله،

الرئيس العام لإدارات البحوث العلمیه والإفتاء

والدعوه والإرشاد

مقدمه‌ی مؤلف

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان إلا على الظالمين،
وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، الملك الحق المبين، وأشهد أن
محمدًا عبده ورسوله خاتم النبيين وإمام المتقين، صلى الله عليه وعلى آله
وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين. أما بعد:

خداوند متعال پیامبر خود محمد ﷺ را برای هدایت به دین حق فرستاد. او
رحمتی است برای جهانیان و پیشوا، و حجتی برای همه بندگان. از طریق او و
فرستادن قرآن و سنت، عقاید صحیح، کردار نیک، اخلاق شایسته، آداب برجسته و
عالی را بیان کرده است که صلاح و درستی احوال بندگان در دین و دنیا در آن نهفته
است.

پس پیامبر ﷺ امت خود را بر راه مستقیمی رها کرد که شب آن همانند روز
روشن، آشکار و واضح است، و بجز گمراهان کسی از آن راه منحرف نمی‌شود.
صحابه و تابعین و کسانی از امت پیامبر همین راه را به نیکی پیروی نمودند، آنها
کسانی هستند که ندای خدا و رسول الله ﷺ را پاسخ گفتند و بهترین انسان‌ها
هستند، کسانی هستند که بر شریعت وی در ساحت عقیده، عبادت، اخلاق، آداب
پایدار ماندند و به سنت او چنگ زدند و تمسک ورزیدند، پس آنها رستگاران هستند
که همیشه بر حق‌اند و مخالفت هیچ کس به آن‌ها ضرر و زیان نمی‌رساند تا برپا
شدن روز قیامت آن برحق پایدار خواهند بود.

ما نیز - الحمد لله - راه و روش آن‌ها را که با قرآن و سنت تأیید شده است دنبال
می‌کنیم و خدا را بر نعمت‌هایش شکر و سپاس می‌گوییم، و از خداوند خواستاریم تا

ما و مسلمانان را با قول ثابت در دنیا و آخرت ثابت قدم نگه دارد، رحمت خود را بر ما فرو فرستد؛ چرا که او بسیار بخشنده است.

به جهت اهمیت این موضوع - با وجود اختلاف نظر مردم درباره این موضوع - دوست داشتم به طور مختصر عقیدهٔ ما - عقیدهٔ اهل سنت و جماعت - ایمان به خدا، فرشتگان، کتاب‌ها، پیامبران، روز آخرت و قضا و قدر را به نگارش در آورم. از خداوند متعال خواهانم آن را خالصانه مورد رضا و خشنودی خود و سودمند برای بندگان خود قرار دهد.

عقیده‌ی ما

(ارکان عقیده)

۱- عقیده‌ی ما: ایمان به خدا، فرشتگان، کتاب‌ها، پیامبران خدا، روز آخرت، قضا و قدر و خیر و شر است.

(تفصیل ایمان به خدا)

۲- ایمان می‌آوریم به خدای تعالی؛ یعنی، او تربیت کننده، خالق، مالک و تدبیرکننده تمام کارهاست.

۳- ایمان می‌آوریم به الوهیت خداوند بزرگوار؛ یعنی اوست پروردگار بر حق و هر خدایی غیر از او باطل است.

۴- ایمان می‌آوریم به نام‌ها و صفتهای باری تعالی؛ یعنی، نام‌های نیک، و صفتهای عالی و کامل، مخصوص اوست.

۵- ایمان می‌آوریم به یکتایی او، یعنی این که: خدا یکتاست و در پروردگاری، نام‌ها و صفتهای هیچ شریکی ندارد.

باری تعالی می‌فرماید: ﴿رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا﴾ [مریم: ۶۵].

«همان پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد! او را پرستش کن؛ و در راه عبادتش شکبیا باش! آیا مثل و مانندی برای او می‌یابی؟!».

۶- ایمان می‌آوریم به این که: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ

بَشِيءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ [البقرة: ۲۵۵].

«هیچ معبودی بحق نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او هستند؛ هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرامی‌گیرد؛ (و لحظه‌ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی‌ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟! (بنابراین، شفاعت شفاعت‌کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعتند، از مالکیت مطلقه او نمی‌کاهد.) آنچه را در پیش روی آنها (بندگان) و پشت سرشان است می‌داند؛ (و گذشته و آینده، در پیشگاه علم او، یکسان است.) و کسی از علم او آگاه نمی‌گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است؛ و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و نامحدود اوست.) عرش او، آسمانها و زمین را دربرگرفته؛ و نگاهداری آن دو (آسمان و زمین)، او را خسته نمی‌کند. بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست.»

۷- ایمان می‌آوریم به این که: ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾﴾ [الحشر: ۲۲-۲۴].

«او خدائی است که معبودی بحق جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، و او رحمان و رحیم است. او خدائی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی‌کند، امنیت‌بخش است، و

مراقب (همه چیز) است، او قدرتمندی شکست‌ناپذیر است که با اراده^۱ نافذ خود هر امری را اصلاح می‌کند، و شایسته^۲ عظمت است، خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند. او خداوندی است خالق، آفریننده‌ای بی‌سابقه، و صورت‌گری بی‌نظیر، برای او نامهای نیک است، و آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می‌گویند، و او عزیز و حکیم است».

۸- ایمان می‌آوریم به این که: برای اوست ملك آسمانها و زمین ﴿يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنْثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ﴿۱۱﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿۱۲﴾ [الشوری: ۴۹-۵۰].

«هرچه را بخواهد می‌آفریند؛ به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر. یا (اگر بخواهد) پسر و دختر - هر دو- را برای آنان جمع می‌کند و هرکس را بخواهد عقیم می‌گذارد؛ زیرا که او دانا و قادر است».

۹- ایمان می‌آوریم به اینکه: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱۱﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ وَكِيلٌ شَيْءٌ عَلِيمٌ ﴿۱۲﴾ [الشوری: ۱۱-۱۲].

«هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست! کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست؛ روزی را برای هر کس بخواهد گسترش می‌دهد یا محدود می‌سازد؛ او به همه چیز داناست».

۱۰- ایمان می‌آوریم به این که: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿۶﴾ [هود: ۶].

«هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه این‌ها در کتاب آشکاری ثبت است! (در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا)».

۱۱- ایمان می‌آوریم به این که: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٥٩﴾﴾ [الأنعام: ۵۹].

«کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسی آنها را نمی‌داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار (در کتاب علم خدا) ثبت است».

۱۲- ایمان می‌آوریم به این که: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٣٤﴾﴾ [لقمان: ۳۴].

«آگاهی از زمان قیام مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می‌کند، و آنچه را که در رحم‌ها (ی مادران) است می‌داند، و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد، و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ خداوند عالم و آگاه است!».

۱۳- ایمان می‌آوریم به اینکه: باری تعالی سخن می‌گوید با هر چیز، و هر زمان، و هرگونه که بخواهد: ﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا ﴿١٦٤﴾﴾ [النساء: ۱۶۴].

«و خداوند با موسی (حقیقتاً و بدون واسطه) سخن گفت. (این آیه صفت کلام برای خدا چنانکه به جلال خدا لایق است می‌رساند (مترجم))».

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ﴾ [الأعراف: ۱۴۳].

«و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت.»

﴿وَلَنَدِينُهُ مِنَ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا﴾ [مریم: ۵۲].

«ما او را از طرف راست (کوه) طور فراخواندیم؛ و او را (به خود) نزدیک ساختیم؛ و با او سخن گفتیم.»

۱۴- ایمان می‌آوریم به اینکه: ﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي﴾

[الکهف: ۱۰۹].

«بگو: اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاها پایان می‌گیرد. پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد.»

﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [لقمان: ۲۷].

«و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود، این‌ها همه تمام می‌شود ولی کلمات خدا پایان نمی‌گیرد؛ خداوند عزیز و حکیم است.»

۱۵- ایمان می‌آوریم به این که: کلمات و سخنان خدا کامل‌ترین کلمات و

سخنان است، صادق در اخبار، عادل در احکام، و نیکو در گفتار؛ چنان که

باری تعالی می‌فرماید: ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَاتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا﴾ [الأنعام: ۱۱۵].

«و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حد تمام رسید.»

و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾ [النساء: ۸۷].

«و کیست که از خداوند، راستگوتر باشد؟»

۱۶- ایمان می‌آوریم که قرآن کریم، کلام خدای تعالی است، در آن از روی

حقیقت، سخن گفته است و آن را به سوی جبریل؛ فرو فرستاده، سپس

جبریل آن را بر قلب رسول الله ﷺ نازل کرده است؛ چنان که می‌فرماید:

﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ﴾ [النحل: ۱۰۲].

«بگو، روح القدس (جبریل)؛ آن را از جانب پروردگارت بحق نازل کرده».

و می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۹۲﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿۱۹۳﴾ عَلَيَّ

قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿۱۹۴﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿۱۹۵﴾ [الشعراء: ۱۹۲-۱۹۵].

«مسلماً این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است! روح الامین

(جبریل)؛ آن را نازل کرده است بر قلب (پاک) تو، تا از اندازکنندگان باشی! آن را به

زبان عربی آشکار (نازل کرد)!».

۱۷- ایمان می‌آوریم به این که: خدای بزرگوار، به ذات و صفت خود، بر خلقش

برتری دارد؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿۲۵۵﴾﴾ [البقرة: ۲۵۵].

«او (خداوند) بالا و بلندمرتبه و با عظمت است».

و می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿۱۸﴾﴾

[الأنعام: ۱۸].

«اوست که بر بندگان خود، فوق و غالب است؛ و اوست حکیم آگاه!».

۱۷- ایمان می‌آوریم به اینکه او: ﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ

أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ يُدِيرُ الْأَمْرَ ﴿۳﴾﴾ [یونس: ۳].

«پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس

بر عرش قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت».

قرار گرفتن خدا بر عرش، علو و برتری بر آن با ذات مقدس خود، خاص و

شایسته جلال و عظمت خداوندی است و هیچکس بجز خدا چگونگی آن را

نمی‌داند.

۱۸- ایمان می‌آوریم به این که: خدای تعالی با خلق خود است، و بر عرش قرار دارد، احوال آن‌ها را می‌داند، گفتارشان را می‌شنود، کارهای آن‌ها را می‌بیند و امور و شؤون آن‌ها را تدبیر می‌کند؛ فقیر را رزق و روزی می‌دهد، هرکس را بخواهد عزتِ مُلک و سلطنت می‌بخشد، و از هرکه بخواهد می‌گیرد، به هرکه بخواهد عزت و اقتدار می‌بخشد، و هرکه را خواهد خوار و ذلیل می‌گرداند، هر خیر و نیکی، به دست اوست، و تنها او بر هر چیز تواناست. و آن ذاتی که دارای چنین مرتبه و مقام است، او حقیقتاً با آفریدگانش همراه است، با آنکه در حقیقت بالای آنها بر عرش خود قرار دارد؛ چنان که می‌فرماید:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

«هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست».

و ما عقیده گروه حلولیه مانند جهمیه را نمی‌پذیریم که می‌گویند: خدا در همه چیز حل شده است؛ که می‌گویند: «خدا با خلقتش در زمین است» بر این باوریم که هرکس این چنین بیندیشد، کافر و گمراه است؛ زیرا خداوند را به نقائص و عیب‌هایی توصیف کرده است که شایسته او نیست.

۱۹- ایمان می‌آوریم به آن چه رسول الله ﷺ خبر داده است که: خداوند متعال، هر شب به آسمان دنیا فرود می‌آید آن‌گاه که يك سوم شب، باقی مانده باشد و می‌فرماید: «من یدعونی فأستجیب له، من یسألنی فأعطیه، من یدعونی فأغفر له» [متفق علیه].

چه کسی مرا دعا می‌کند تا او را اجابت کنم، و چه کسی از من پرسشی دارد تا به او عطا نمایم، چه کسی از من آمرزش می‌خواهد تا گناهان او را ببخشایم.

۲۰- ایمان می‌آوریم که: خداوند باری تعالی روز قیامت برای فصل^(۱) و حکم کردن بین بندگان می‌آید؛ چنان که می‌فرماید: ﴿كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿١١﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿١٢﴾ وَجِئَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿١٣﴾﴾ [الفجر: ۲۱-۲۳].

«و چنان نیست که آنها (دنیاطلبان)، می‌پندارند، در آن هنگام که زمین سخت در هم کوبیده شود. و خداوند برای فصل قضاوت بین خلائق بیاید، و فرشتگان صف در صف حاضر شوند. و در آن روز جهنم را حاضر می‌کنند (آری) در آن روز انسان متذکر می‌شود، اما این تذکر چه سودی برای او دارد».

۲۱- ایمان می‌آوریم به این که: خداوند: ﴿فَعَالَ لِمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾﴾ [البروج: ۱۶]. «و آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد».

۲۲- ایمان می‌آوریم که: باری تعالی دو نوع اراده دارد:

الف- اراده کونی (متعلق به کائنات): این که مراد و خواست او باید واقع گردد^(۲) و لازم نیست که آن مراد (آن چیزی که طبق اراده کونی واقع می‌گردد) برای او محبوب و دوست داشتنی باشد؛ و این نوع اراده را مشیت نیز گوید، چنان که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٣﴾﴾ [البقرة: ۲۵۳].

«اگر خدا می‌خواست، با هم پیکار نمی‌کردند؛ ولی خداوند، آنچه را می‌خواهد، (از روی حکمت) انجام می‌دهد (و هیچ‌کس را به قبول چیزی مجبور نمی‌کند)».

و می‌فرماید: ﴿إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ﴾ [هود: ۳۴].

(۱) جدا کردن حق از باطل.

(۲) یعنی تقدیر و سرنوشتی که خداوند بر بندگان خود تعیین کرده است و ناگزیر باید این سرنوشت و تقدیر واقع گردد. مانند حوادث و رویدادهایی که در جهان هستی رخ می‌دهد. مترجم.

«هرگاه خدا بخواهد شما را (بخاطر گناهاتتان) گمراه سازد، و من بخواهم شما را اندرز دهم، اندرز من سودی به حالتان نخواهد داشت! او پروردگار شماست».

ب- اراده شرعی (متعلق به اوامر و نواهی): و حتمی نیست که مراد وی طبق این اراده واقع گردد، ولی مراد خداوند در این جا محبوب است^(۱)؛ چنان که می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ﴾ [النساء: ۲۷].

«و خدا می‌خواهد شما را ببخشد».

۲۳- ایمان می‌آوریم به اینکه: مراد و خواست خدا چه کونی و چه شرعی بر اساس حکمت اوست.

پس، خداوند وقوع هر چیزی را که اراده کرده و یا شرعاً بندگانش را به آن مکلف نموده باشد، همه آن‌ها، طبق اوست، چه ما به حکمت آن پی ببریم، و یا عقل و فهم ما از درک آن قاصر باشد؛ چنان که می‌فرماید: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ﴾ [التین: ۸].

«آیا خداوند بهترین حکم‌کنندگان و داوران نیست؟!».

و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [المائدة: ۵۰].

[و چه کسی بهتر از خدا، برای کسانی که یقین دارند حکم فرماست؟!].

۲۴- ایمان می‌آوریم که: خداوند، دوستان خود را دوست دارد و دوستان خدا او

را دوست دارند؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي

يُحِبِّكُمْ اللَّهُ﴾ [آل عمران: ۳۱].

«بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد».

(۱) محبوب است یعنی خدا آن را دوست دارد، با این حال لازم نیست که واقع گردد مثل شخص کافر؛ خدا دوست دارد که او مسلمان باشد ولی مسلمان نیست مترجم.

و می‌فرماید: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ [المائدة: ۵۴].
 «خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند».

و می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۶].
 «و خداوند، صابران را دوست می‌دارد».

و می‌فرماید: ﴿وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [الحجرات: ۹].
 «و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد».

و می‌فرماید: ﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۵].
 «نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد».

۲۵- ایمان می‌آوریم به این که خدای تعالی آن چه از کردار و گفتار، حکم فرموده، به آن راضی و خشنود است و آن چه از آن نهی کرده، آنرا بد می‌بیند؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ﴾ [الزمر: ۷].

«اگر کفران کنید، خداوند از شما بی‌نیاز است و هرگز کفران را برای بندگانش نمی‌پسندد؛ و اگر شکر او را بجا آورید آن را برای شما می‌پسندد!».

و می‌فرماید: ﴿وَلَكِنَّ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاتَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ﴾ [التوبة: ۴۶].

«ولی خدا از حرکت آنها کراهت داشت؛ از این رو (توفیقش را از آنان سلب کرد؛ و) آنها را (از جهاد) باز داشت؛ و به آنان گفته شد: «با (قاعدین) (کودکان و پیران و بیماران) بنشینید!».

۲۶- ایمان می‌آوریم به این که خدا از کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح و نیک انجام دادند، راضی و خشنود است؛ چنان که می‌فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾ [البینة: ۸].

«هم خدا از آنها خشنود است، و (هم) آنها از خدا خشنودند. و این (مقام والا و پادشاهی مهم و بی‌نظیر) برای کسی است که از پروردگارش بترسد».

۲۷- ایمان می‌آوریم به این که خدای تعالی بر کسانی که سزاوار عقاب [و عذاب] هستند، مانند کافران و غیر آنها، خشم و غضب می‌گیرد؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ ذَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ [الفتح: ۶].

«و آنانی که به خدا بد گمان بودند و حوادث ناگواری (برای مؤمنان انتظار می‌کشند) تنها بر خودشان نازل می‌شود! خداوند بر آنان غضب کرده».

و می‌فرماید: ﴿وَلَكِنَّ مَن شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [النحل: ۱۰۶].

«آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده‌اند، غضب خدا بر آنهاست؛ و عذاب عظیمی در انتظارشان».

۲۸- ایمان می‌آوریم به این که خدا دارای چهره‌ای آراسته به عظمت و بزرگی و انعام و احسان است: ﴿وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ [الرحمن: ۲۷].

«و تنها وجه خداوند ذوالجلال و گرامی باقی می‌ماند! (در این آیه صفت و وجه: روی و چهره پروردگار) بدون تشبیه و چگونگی برای خداوند عز و جل ثابت می‌کند که به جلال و عظمت او سبحانه لایق است). مترجم».

۲۹- ایمان می‌آوریم به این که خداوند دارای دو دست گرامی و عظیم و بزرگ است چنان که می‌فرماید: ﴿بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ﴾ [المائدة: ۶۴].

«بلکه هر دو دست او، گشاده است؛ هرگونه بخواهد، می‌بخشد».

می‌فرماید: ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [الزمر: ۶۷].

«آنها خدا را آن گونه که شایسته است شناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمانها پیچیده در دست او؛ خداوند منزه و بلندمقام است از شریکی‌هایی که برای او می‌پندارند».

۳۰- ایمان می‌آوریم به این که برای خدای تعالی دو چشم حقیقی است؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا﴾ [هود: ۳۷].
«و کشتی را با وحی ما و زیر نظر ما بساز».

و چنانکه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «حجاب‌ه نور لو کشفه لأحرقت سبحات وجهه ما انتهى إليه بصره من خلقه» [الدارمی].

«حجاب خدا نور است، اگر آن را ظاهر و آشکار کند جلال و عظمت و روشنایی چهره‌اش، (تمامی) آن آفریدگانش را که چشمش به آن رسد می‌سوزاند».
اهل سنت و جماعت، همگی بر این قولند که چشمان خدای متعال دوتاست؛ چنان که رسول الله ﷺ در باره دجال^(۱) می‌فرماید: «إِنَّهُ أَعُورٌ وَإِنَّ رَبِّكُمْ بِأَعُورٍ» [متفق علیه].

(۱) مردی کذاب و بسیار دروغگو که در آخرالزمان ظهور کند و مردم را بفریبد. فرهنگ فارسی معین - ویراستار.

«دجال يك چشم دارد و چشم دیگرش کور است و خدای تعالی چنین نیست، بلکه دو چشم دارد».

۳۱- ایمان می‌آوریم به این که: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [الأنعام: ۱۰۳].

«چشم‌ها، او را (در دنیا) نمی‌بینند (لیکن در آخرت مؤمنان او را خواهند دید)؛ و او همه چشمها را می‌بیند؛ و او بخشنده (انواع نعمتها، و با خبر از دقایق موجودات، و آگاه (از همه) چیز است».

۳۲- ایمان می‌آوریم به این که مؤمنان، در روز قیامت خدا را خواهند دید؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ۖ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ [القيامة: ۲۲-۲۳].

«در آن روز صورتهای (اهل سعادت) شاداب و مسرور است. و (و با شادایی) به پروردگارش می‌نگرد».

۳۳- ایمان می‌آوریم به این که خداوند، مثل و ماندی ندارد، زیرا که صفت‌های او کامل است: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

«هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست».

۳۴- ایمان می‌آوریم به این که: ﴿لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

«هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرا نمی‌گیرد».

برای این که زندگی و قیومیت (تدبیر عالم) خدا در بلندترین درجه کمال است.

۳۵- ایمان می‌آوریم به این که به هیچ کس ظلم نمی‌کند؛ زیرا عادل است، و این که از اعمال و کردار بندگانش غافل نیست؛ زیرا او کاملاً آگاه و مراقب بر آفریدگانش است.

۳۶- ایمان می‌آوریم به این که خداوند، از آن چه در آسمان‌ها و زمین است،

عاجز و ناتوان نیست؛ زیرا او در علم و قدرت خود کامل است: ﴿إِنَّمَا

أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [یس: ۸۲].

«فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود

باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود».

و این که هیچ خستگی و فرسودگی بر او وارد نمی‌شود چرا که نیرو و قوت او

کامل است؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ﴾ [ق: ۳۸].

«ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز (شش دوران و

مرحله) آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید! (با این حال چگونه

زنده کردن مردگان برای ما مشکل است؟!». (آیه کریمه اثبات‌کننده معاد است زیرا

کسی که بر آفرینش آسمانها و زمین قادر بوده و از آفرینش آنها خسته و مانده نشود،

به طریق اولی بر زنده کردن مردگان نیز توانا است».

۳۷- ایمان می‌آوریم به درست بودن آن چه خداوند برای خود ثابت کرد، رسول

الله ﷺ برای او اثبات تصدیق کرده است، از نام‌ها و صفت‌های

باری تعالی لیکن از دو امر نادرست به شدت دوری کرده، آن را انکار

می‌کنیم:

اول - همانندی: یعنی (شبهت دادن و مانند کردن). این که کسی با قلب یا زبان

خود بگوید که صفت‌های خداوند همانند صفت‌های مخلوقات است.

دوم - کیفیت: یعنی چگونگی. این که با قلب یا زبان خود بگوید صفت‌های

خداوند چنین و چنان است.

۳۸- ایمان می‌آوریم به آن چه خدا از خودش، یا رسول ﷺ، از خدا نفی و انکار کرده و از او دور دانسته‌اند و این که آن نفی و دوری، شامل اثبات کمال ضد آن (صفت‌های نفی شده برای خداوند است)، و آن چه خدا و رسولش ﷺ در آن سکوت کرده‌اند، ما نیز در باره آن خاموش و ساکت می‌مانیم.

۳۹- بر این باور و عقیده‌ایم که پیروی از این راه و روش، بر ما فرض و واجب است و باید آن را بپذیریم؛ زیرا آن چه خدا ثابت کرده، یا آن را از خود نفی کرده، خبری است که از سوی خود بر ما وحی نموده است، و خدای تعالی در باره خود، از هر کس دیگر داناتر و آگاه‌تر است. کیست که در گفتارش از خدا راستگوتر است؟ و کیست که نیکوتر از خداوند سخن گوید؛ و بندگان‌ش به علم او نتوانند رسید.

آن چه رسول الله ﷺ برای خدا ثابت کرده و یا از او نفی نموده است خبری است که در باره خدا گفته است و خبر داده است؛ و او از هر بنده، به خدای یکتا عالم‌تر، داناتر و آگاه‌تر است، و او خیر خواه‌ترین مردم و راستگوترین و شیوا سخن‌ترین انسان هاست.

در کلام خدا و رسولش ﷺ دانش کامل و صدق و راستی و بیان است، و هیچ عذری در رد کردن یا شك کردن در آن نیست.

فصل

(قاعده شناخت صفات خداوند متعال)

۴۰- در حقیقت، دلیل و استناد ما در همه آن چه از صفات باری تعالی، چه به صورت مشروح، چه مختصر، و چه به طور اثبات یا نفی بیان کردیم، بر اساس قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ و گذشتگان و پیشینیان صالح و نیکوکار، و امامان اهل سنت و جماعت بوده است.

۴۱- بر این عقیده‌ایم که باید کلام صریح و آشکار قرآن و سنت را بر ظاهر و حقیقت آن حمل کرد، چنان که باری تعالی شایسته و سزاوار آن معنی باشد. و از راه گمراهانی که صفات باری تعالی را تأویل کرده و به آن چه خدا و رسولش ﷺ می‌خواستند عمل نکردند، برائت و دوری می‌جوییم.

و همچنین خود را از راه مُعْطَلَه^(۱) کسانی که صفات باری تعالی را تعطیل کرده و آن معنا و مفهومی که در آن صفات است آن را برای باری تعالی اثبات نمی‌کند، برائت می‌جوییم.

و همچنین از راه کسانی که در آن صفات، غُلُو و زیاده روی کرده، و آن را به صفات مخلوقات تشبیه می‌کنند و یا برای آن چگونگی و کیفیتی ثابت می‌کنند، برائت و دوری می‌جوییم.

۴۲- ما یقین داریم که آن چه در قرآن و سنت آمده حق و حقیقت است، و در آن هیچ اختلاف و نقصی وجود ندارد؛ چنان که باری تعالی می‌فرماید: ﴿أَفَلَا

(۱) پیروان مذهب تعطیل؛ در اصطلاح اهل سنت فرقه‌های مذهبی که منکر صفات باری تعالی بوده، و از خداوند نفی اسما و صفات می‌کرده‌اند. فرهنگ فارسی عمید - ویراستار.

يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا
كَثِيرًا ﴿٨٢﴾ [النساء: ۸۲].

«آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند».

زیرا تناقض و اختلاف در اخبار، موجب آن می‌شود که برخی از آن برخی دیگر را رد نمایند و این امر (که برخی از آیات و احادیث برخی دیگر آنرا تکذیب و رد نمایند) در اقوال خدا و رسولش مستحیل و ناممکن است.

۴۳- هرکس ادعا کند که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ تناقض و اختلاف وجود دارد، دلالت بر قصد و نیت بد او، و گمراهی قلب او می‌کند، و باید توبه کرده، به سوی خدای متعال باز گردد و از گمراهی و جهالت، دوری جوید.

هرکس به فکرش چنین آید که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ اختلاف و تناقض وجود دارد، از چند حال خارج نیست: یا از کمی دانش و معرفت اوست، و یا از عدم فهم و ادراک اوست، و یا از کم فکری و نیندیشیدن در قرآن و سنت پیامبر ﷺ و معانی آن می‌باشد؛ پس باید چنین فردی در آموختن علم و معرفت صحیح بکوشد، و با اندیشه و تدبر در آیات قرآن و معانی آن تلاش نماید تا حقیقت و یقین برای او روشن شود، و اگر نتوانست حقیقت را بداند، چنین مسایلی را به عالم آن که خداوند است واگذاشته و از تصور بی‌جا و تأمل جاهلانه در باره آن دوری جوید (و به آن ایمان آورده) و چنان گوید که صاحبان علم راستین می‌گویند که: ﴿كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا﴾ [آل عمران: ۷].

«ما به همه آن ایمان آوردیم (چرا که) همه از سوی پروردگار ما است».

بداند که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ هیچ تناقض و اختلافی وجود ندارد.

فصل

(ایمان به فرشتگان)

۴۴- ایمان می‌آوریم به فرشتگان خدا و این که: ﴿عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿۲۶﴾ لَا

يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿۲۷﴾ [الأنبياء: ۲۶-۲۷].

«آنها (فرشتگان) بندگان شایسته اویند. هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند؛ و (پیوسته) به فرمان او عمل می‌کنند».

خداوند، آن‌ها را آفریده و آنان نیز به عبادت خدا برخاسته و به طاعت او عمل کرده‌اند؛ چنان که می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ

﴿۱۹﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿۲۰﴾ [الأنبياء: ۱۹-۲۰].

«(فرشتگان) هیچ‌گاه از عبادتش استکبار نمی‌ورزند، و هرگز خسته نمی‌شوند.

(تمام) شب و روز را تسبیح می‌گویند؛ و سست نمی‌گردند».

خداوند، فرشتگان را از ما پنهان کرده، ما آنان را نمی‌بینیم و ممکن است خداوند، آن‌ها را برای برخی از بندگانش ظاهر و آشکار نماید؛ چنانکه رسول

الله ﷺ جبریل؛ را بر صورت حقیقی‌اش دید که ششصد بال داشت و تمامی کرانه‌
آسمان را پوشانده بود و همچنین جبریل؛ به چهره انسانی درآمد و با مریم، مادر

عیسی ﷺ گفتگو کرد، و نیز به صورت مردی نزد رسول الله ﷺ آمد، و صحابه
با رسول اکرم ﷺ نشسته بودند و کسی او را نشناخت، در حالیکه هیچ اثری از

سفر بر او نبود، و لباس سفیدی بر تن داشت، و مویش سیاه بود، نزد رسول خدا ﷺ

نشست، زانو بر زانوی رسول الله ﷺ نهاد و دو دست بر ران پیامبر اکرم ﷺ

گذاشته، با آن حضرت به گفتگو نشست. رسول اکرم پس از رفتن آن مرد، صحابه را خبر دادند که او جبریل؛ بود.

۴۵- ایمان می‌آوریم که فرشتگان به اعمالی گماشته شده‌اند: همانند جبریل؛ که به نزول وحی بر پیامبران گماشته شده است. و میکائیل مأمور به نزول باران، و اسرافیل مأمور دیدن در شیپور به هنگام برانگیخته شدن مردم در روز قیامت است. و مَلَكُ الْمَوْتِ مُوَكَّلٌ بِهِ قَبْضِ رُوحٍ، هنگام مردن است. و فرشتگان کوه موکلند به کوه‌ها، خداوند مالک را دربان جهنم قرار داده است.

فرشتگانی هستند که مأمور بر جنین و بچه‌هایی هستند که در شکم مادرانشان به سر می‌برند، فرشتگانی هستند که مأمور به نگهداری از بنی آدم و دفاع از ایشان هستند.

نیز فرشتگان دیگری به نوشتن اعمال و کردار بنی آدم گماشته شده‌اند، و برای هر فردی دو فرشته قرار داده شده است؛ خداوند می‌فرماید: ﴿عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿۱۷﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿۱۸﴾﴾ [ق: ۱۷-۱۸].

«(به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته، طرف راست (برای اعمال نیک) و فرشته چپ (برای اعمال بد) ملازم انسانند اعمال او را دریافت می‌دارند. انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت (و ضبط آن) است.»

فرشتگان دیگری هستند که خداوند، آن‌ها را برای سؤال و پرسش از مردگان، در هنگام دفن آن‌ها قرار داده است. دو فرشته بر مرده وارد می‌شوند و او را مورد بازخواست قرار داده و می‌گویند: معبود تو کیست؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو چه کسی است؟ پس: ﴿يُنْتَبِئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿۲۷﴾﴾ [ابراهیم: ۲۷].

«خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می‌دارد؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر! و ستمگران را گمراه می‌سازد، (و لطف خود را از آنها برمی‌گیرد)؛ خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می‌دهد!».

فرشتگان دیگری هستند که مکلفند به بهشتیان؛ خداوند می‌فرماید: ﴿يَذْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ۚ سَلِّمْ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿۲۳﴾﴾ [الرعد: ۲۳-۲۴].

«از هر دری بر آنان وارد می‌گردند. (و به آنان می‌گویند): سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتتان! چه نیکوست سرانجام آن سرا(ی جاویدان)».

رسول اکرم ﷺ به ما خبر داده است که: «إِنَّ بَيْتَ الْمَعْمُورِ فِي السَّمَاءِ يَدْخُلُهُ، - وَفِي رِوَايَةٍ -: يَصِلِي فِيهِ، كُلُّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ ثُمَّ لَا يَعُودُونَ إِلَيْهِ آخِرَ مَا عَلَيْهِمْ» [متفق علیه].

بیت المعمور^(۱) در آسمان است. هر روز هفتاد هزار فرشته در آن داخل می‌شوند، و در روایتی در آن نماز می‌خوانند، سپس به آن خانه باز نمی‌گردند.

(۱) خانه یا مسجدی که گفته‌اند در آسمان هفتم برابر کعبه است؛ یعنی خانه‌ای که تمامی فرمان‌ها در آن است.

فصل

(ایمان به کتابهاییکه بر پیامبران نازل شده است)

۴۶- ایمان می‌آوریم به این که خدای تعالی بر پیامبران خود کتاب‌هایی فرستاده تا حجت و دلیلی باشد برای جهانیان تا به آن عمل کنند و به وسیله آن کتاب‌ها، به جهانیان، حکمت آموزند، و آنان را پاکیزه نمایند.

۴۷- ایمان می‌آوریم که خداوند بر هر پیامبری کتابی نازل فرموده؛ چنان که می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ [الحديد: ۲۵].

«ما رسولان خود را با دلایل و معجزات روشن و شریعت‌های آشکار فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی که دارای احکام و شرایع است) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

۴۸- [شماری] از آن کتاب‌ها که بر ما ظاهر و آشکار می‌باشد، عبارتند از:
ا- تورات که بر موسی؛ نازل فرموده است و آن بزرگترین کتابهای بنی اسرائیل است: ﴿فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَخْتُمُّ بِهَا التَّيْبُونُ الَّذِينَ اسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّنِيُونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتَحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ﴾ [المائدة: ۴۴].

«در آن، هدایت و نور بود؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می‌کردند؛ و (همچنین) علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می‌نمودند».

و می‌فرماید: ﴿وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾ [المائدة: ٤٦].

ب - «و انجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نور بود؛ و (این کتاب آسمانی نیز) تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می‌کرد؛ و هدایت و موعظه‌ای برای پرهیزگاران بود».

﴿وَلِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ﴾ [آل عمران: ٥٠].

«و (آمده‌ام) تا پاره‌ای از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه،) بر شما حرام شده، (مانند گوشت بعضی از چهارپایان و ماهیها،) حلال کنم».

ج - زبور که به پیامبر داوود؛ عطا شده بود.

د - صحف که به ابراهیم و موسی عَلَيْهِمَا السَّلَام داده شده بود.

ه - قرآن کریم که بر خاتم پیامبران محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد: ﴿هُدًى لِّلنَّاسِ

وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ [البقرة: ١٨٥].

«قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت و معیارهای سنجش حق و باطل است».

می‌فرماید: ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّئًا عَلَيْهِ﴾

[المائدة: ٤٨].

«کتب پیشین را تصدیق می‌کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست».

پس، خداوند، قرآن را ناسخ و محو کننده تمامی کتاب‌های آسمانی گذشته قرار داده و عهده‌دار حفظ آن از عبث و تحریف و دست بردن در آن شده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ

نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ٩].

«ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم».

زیرا این قرآن تا روز قیامت باقی است و آن هم حجت و برهان بر تمامی جهانیان

است.

اما کتاب‌های پیشین، هر کدام برای دوره و زمانی معین و معلوم بوده است که با نزول کتاب دیگری، صلاحیتش پایان یافته و کتاب بعدی، آن چه از تحریف و تبدیل و نقص و زیادت در آن بوده بیان کرده است، به همین سبب کتاب‌های سابق، مَصُون از خطا و اشتباه نبوده و تحریف و تبدیل و نقص و زیادت در آنها وجود داشته است. خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا﴾ [النساء: ۴۶].

«بعضی از یهود، سخنان (خدا) را از جای خود، تحریف می‌کنند».

﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْشْتَرُوا بِهِءَ ثُمَّ قَلِيلًا قَلِيلًا قَوْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾ [البقرة: ۷۹].

«پس وای بر آنها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست؛ تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند؛ و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند!».

﴿قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِءَ مُوسَى نُورًا وَهَدَى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا﴾ [الأنعام: ۹۱].

«بگو: چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود؛ (اما شما) آن را بصورت پراکنده قرار می‌دهید؛ قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان می‌دارید».

﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ

الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ
وَالنَّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ ﴿٧٩﴾ [آل عمران: ۷۸-۷۹].

«در میان آنها (یهود) کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید (آنچه را می‌خوانند)، از کتاب (خدا) است؛ در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می‌گویند: «آن از طرف خداست!» با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می‌بندند در حالی که می‌دانند! برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید: «غیر از خدا، مرا پرستش کنید!».

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ﴾ [المائدة: ۱۵-۱۷].

«ای اهل کتاب! پیامبر ما، که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می‌کردید روشن می‌سازد، به سوی شما آمد؛ و از بسیاری از آن، (که فعلا افشای آن مصلحت نیست)، صرف نظر می‌نماید. (آری)، از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکیها به سوی روشنایی می‌برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید. آنها که گفتند: «خدا، همان مسیح بن مریم است»، بطور مسلم کافر شدند».

فصل

(ایمان به پیامبران و حکمت فرستادن آنها)

۴۹- ایمان می‌آوریم به این که خداوند متعال، پیامبران و رسولانی بر خلق و

جهانیان فرستاد: ﴿مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ

حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۶۵].

«آنان پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود؛) و خداوند، توانا و حکیم است».

۵۰- ایمان می‌آوریم به اینکه نخستین این پیامبران نوح؛ و آخرین آنها

محمد ﷺ می‌باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا

أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ﴾ [النساء: ۱۶۳]. «ما به تو وحی

فرستادیم؛ همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم».

و می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ

وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ [الأحزاب: ۴۰].

«محمد (ﷺ) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و

ختم‌کننده و آخرین پیامبران است».

بهترین و برترین آن‌ها محمد، سپس ابراهیم، سپس موسی، سپس نوح و عیسی

فرزند مریم عليها السلام می‌باشد؛ چنانکه خداوند آنان را بطور خاص در این آیه مبارکه

ذکر نموده است: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا﴾ ﴿الأحزاب: ۷﴾.

«(به خاطر آور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم (که در ادای مسؤولیت تبلیغ و رسالت کوتاهی نکنند)».

۵۱- ما معتقدیم که دین و شریعت محمد ﷺ شامل تمامی فضیلت‌های شریعت پیامبرانی که سرشار از فضل بودند چنان که می‌فرماید: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾ [الشوری: ۱۳].

«آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید!».

۵۲- ایمان می‌آوریم به این که همه پیامبران، بشر و مخلوق هستند در وجود هیچ یک از ایشان صفات خداوند وجود ندارد. خداوند از زبان پیامبر نوح؛ می‌فرماید: ﴿وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ﴾ [هود: ۳۱].

«من هرگز به شما نمی‌گویم خزائن الهی نزد من است! و غیب هم نمی‌دانم! و نمی‌گویم من فرشته‌ام».

خداوند به خاتم الانبیاء - محمد ﷺ - فرمان داد تا بگوید: ﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ﴾ [الأنعام: ۵۰].

«بگو: «من نمی‌گویم خزاین خدا نزد من است؛ و من، (جز آنچه خدا به من پیاموزد،) از غیب آگاه نیستم! و به شما نمی‌گویم من فرشته‌ام».

و این که بگوید: ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ [الأعراف: ۱۸۸].

«من مالک سود و زیان خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد».

و بگوید: ﴿قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾ ﴿۲۱﴾ قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا﴾ ﴿۲۲﴾ [الجن: ۲۱-۲۲].

«بگو: من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم. بگو: (اگر من نیز بر خلاف فرمانش رفتار کنم) هیچ کس مرا در برابر او حمایت نمی‌کند، و پناهگاهی جز او نمی‌یابم».

۵۳- ایمان می‌آوریم که تمام پیامبران، بنده‌ای از بندگان خدا هستند و خداوند متعال، آنان را به پیامبری، بزرگ داشته است و آنان را به بندگی در بلندترین مقام و بر شیوه مدح، وصف فرموده است؛ چنانکه در باره اولین آن‌ها - نوح؛ - می‌فرماید: ﴿ذُرِّيَّةً مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا﴾ ﴿۳﴾ [الإسراء: ۳].

«ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! او بنده شکرگزاری بود».

درباره آخرین آنها محمد ﷺ می‌فرماید: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ ﴿۱﴾ [الفرقان: ۱].

«زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم‌دهنده جهانیان باشد».

[خدا] درباره پیامبران دیگر می‌فرماید: ﴿وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَرِ﴾ ﴿۴۵﴾ [ص: ۴۵].

«و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دست‌های (نیرومند در طاعت خدا) و چشم‌های (بینا)».

﴿وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ وَأَوَّابٌ ﴿۱۷﴾﴾ [ص: ۱۷].

«و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را، که او بسیار توبه‌کننده بود!».

﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ وَأَوَّابٌ ﴿۳۰﴾﴾ [ص: ۳۰].

«ما سلیمان را به داوود بخشیدیم؛ چه بنده خوبی! زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می‌کرد (و به یاد او بود)».

درباره عیسی، فرزند مریم، می‌فرماید: ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۵۹﴾﴾ [الزخرف: ۵۹].

«مسیح فقط بنده‌ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم».

۵۴- ایمان می‌آوریم که خداوند متعال، رسالت‌ها را با پیامبری محمد ﷺ

پایان داد و او را بر همه جهانیان فرستاد؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا

النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ

الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵۸﴾﴾

[الأعراف: ۱۵۸].

«بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمانها و زمین، از آن اوست؛ معبودی بحق جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیامبر درس‌نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا هدایت یابید».

۵۵- ایمان می‌آوریم به این که شریعت و آیین محمد ﷺ همان دین اسلام است که خداوند، آن را برای بندگان خود قبول فرمود و غیر از اسلام، هیچ دینی را از هیچ کس نمی‌پذیرد؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹].

«دین (پسندیده) در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است».

و می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳].

«امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم».

و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵].

«و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است».

۵۶- معتقدیم که اگر کسی ادعا کند، امروز دینی غیر از دین اسلام مانند دین یهود و یا نصاری و غیر این‌ها در نزد خدا مقبول است، او کافر است و باید از او خواست تا توبه کند، وگرنه مرتد است، و کشتن او لازم است؛ زیرا قرآن را انکار کرده است.

۵۷- ما بر این باوریم که هرکس به رسالت محمد ﷺ - که برای جهانیان است - کافر شود، در حقیقت، به تمام پیامبران کافر شده است؛ حتی پیامبری که ادعا می‌کند به او ایمان دارد و پیرو اوست؛ چنان‌که باری تعالی می‌فرماید:

﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الشعراء: ۱۰۵].

«قوم نوح، رسولان را تکذیب کردند».

و آنان را تکذیب کننده همه پیامبران دانسته است؛ در حالی که قبل از نوح؛ پیامبری فرستاده نشده بود و فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٥١﴾﴾ [النساء: ۱۵۰-۱۵۱].

«کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند، و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می‌گویند: «به بعضی ایمان می‌آوریم، و بعضی را انکار می‌کنیم» و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند. آنها کافران حقیقی‌اند؛ و برای کافران، مجازات خوارکننده‌ای فراهم ساخته‌ایم.»

۵۸- ایمان می‌آوریم که هیچ پیامبر و رسولی پس از محمد ﷺ نیست [و نخواهد آمد] و هرکس، پس از او ﷺ ادعای نبوت کند یا کسی که ادعاکننده نبوت را [باور کرده] و به راستی و درستی او گواهی بدهد، کافر است؛ زیرا تکذیب کننده و دروغ پندارنده خداوند و رسول خدا ﷺ و اجماع مسلمانان شده است.

۵۹- ایمان می‌آوریم که پس از پیامبر ﷺ خلفای راشدین‌اند که در میان امت او با علم و معرفت و دعوت و ولایت، بر مؤمنان خلافت کردند و بهترین و شایسته‌ترین آنها به خلافت [به ترتیب]: ابوبکر صدیق، سپس عمر بن خطاب، سپس عثمان بن عفان، سپس علی بن ابی طالب رضی الله عنه می‌باشند. و همچنان که در خلافت به ترتیب، قدر و منزلت داشتند، در فضیلت نیز چنان بودند و خداوند متعال - که برای اوست حکمت رسا و بالغ - ممکن نبود که بر این سده‌های برگزیده، شخصی را به خلافت منصوب کند؛ که از او شخص شایسته‌تری غیر از او وجود داشته باشد.

۶۰- ایمان می‌آوریم به این که صاحب فضیلت کمتر از جمله اینان ممکن است دارای خصوصیت ویژه و یا برتری در بعضی خصوصیت‌ها باشد نسبت به آنکه از او برتر و افضل است، ولی ممکن نیست صاحب فضیلت و برتری مطلق بر آنان گردد؛ زیرا علل و انگیزه‌های فضیلت و برتری، بسیار زیاد است.

۶۱- ایمان می‌آوریم که امت محمدی، بهترین امت‌ها و فاضل‌ترین آن‌هاست؛ چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰].

«شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید».

۶۲- ایمان می‌آوریم که بهترین این امت، یاران و صحابه (صحابی مسلمانی است که به خدمت پیغمبر اسلام رسیده و محضر آن حضرت را درک کرده و مسلمان از دنیا رفته باشد^(۱) پیامبر ﷺ، سپس تابعین^(۲)، سپس تابع تابعین^(۳) می‌باشند.

۶۳- ایمان می‌آوریم که در این امت گروهی هستند که تا روز قیامت بر حق بوده و مخالفت و دشمنی دشمنان و مخالفان هیچ ضرری به آن‌ها نمی‌رساند که فرمان و امر الهی جاری شود.

۶۴- ما معتقدیم که آن چه بین صحابه و یاران پیامبر از جنگ و اختلاف و فتنه رخ داد، از اجتهاد^(۴) آنان بود. کسی که از آن‌ها بر حق بودند، برای او دو

(۱) وگرنه صحابه گفته نمی‌شود.

(۲) در اسلام، مسلمانی را می‌گویند که صحابی را دیده و از او پیروی کرده باشد.

(۳) جانشینان تابعین.

(۴) استنباط مسایل شرعی از قرآن یا حدیث نبوی.

اجر است و کسی که بر حق نبود، برای او يك پاداش، و آن هم پاداشِ اجتهاد است و خطای او بخشوده می‌شود.

۶۵- ما معتقدیم که نباید از بدی آنان سخن بگوییم، بلکه آنان را به آن چه که از مدح و ثنا، سزاوار و شایسته‌اند، بستاییم و دل‌های خود را از حقد و حسد و کینهٔ آنان پاک کنیم؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أَوْلِيَّتِكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقْتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ﴾ [الحديد: ۱۰].

«کسانی که قبل از پیروزی فتح مکه انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلندمقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح مکه انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوند به هر دو وعده نیک داده است.»

می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«(همچنین) کسانی که بعد از آنها (مهاجران و انصار) آمدند می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌هایمان حس و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو مهربان و رحیمی.»

فصل

(ایمان به روز قیامت)

۶۶- ایمان می‌آوریم به روز قیامت. و آن روزی است که بعد از آن، روز دیگری نیست، وقتی مردم زنده شده، از قبرهای خود برمی‌خیزند تا این که زندگی ابدی را شروع کنند و راه ایشان یا به بهشت، و یا به دوزخ خواهد بود.

۶۷- ایمان می‌آوریم به برانگیخته شدن. و آن هم زنده کردن خداوند مردگان را؛ در حالی که اسرافیل در شیپور می‌دمد: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ [الزمر: ۶۸].

(«و در «صور» دمیده می‌شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینها می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در «صور» دمیده می‌شود، ناگهان همگی به پا می‌خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند.»)

در این وقت، مردم از قبرهایشان برمی‌خیزند؛ در حالی که پا برهنه‌اند و لخت هستند و ختنه نشده‌اند: ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَعَلِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۴].

(«همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی‌گردانیم؛ این وعده‌ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد.»)

۶۸- ایمان می‌آوریم به نامه اعمال و کردار که به دست راست و یا از پشت به دست چپ داده می‌شود: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَبِئَمِينِهِ﴾ ۷ ﴿فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا﴾ ۸ ﴿وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾ ۹ ﴿وَأَمَّا مَنْ

أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَأَى ظَهْرَهُ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصَلِّي سَعِيرًا ﴿١٢﴾ [الإنشاق: ۷-۱۲].

«پس کسی که نامهٔ اعمالش به دست راستش داده شود. به زودی حساب آسانی برای او می‌شود. و خوشحال به اهل و خانواده‌اش باز می‌گردد. و اما کسی که نامهٔ اعمالش به پشت سرش داده شود. به زودی فریاد می‌زند: ای وای بر من که هلاک شدم. و در شعله‌های سوزان آتش می‌سوزد».

﴿وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَبِيرَهُ فِي عُنُقِهِ ۖ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا ﴿١٣﴾ أَقْرَأَ كِتَابِكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾﴾ [الإسراء: ۱۳-۱۴].

«و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته‌ایم؛ و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می‌بیند! (این همان نامه اعمال اوست!) (و به او می‌گوییم:) کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی!».

۶۹- ایمان می‌آوریم به ترازویی که در روز قیامت برای حساب و جزا و کیفر و پاداش گذاشته می‌شود و به هیچ‌کس ظلم نمی‌شود: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾﴾ [الزلزلة: ۷-۸].

«پس هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند. و هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند».

﴿فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٤﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٥﴾ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٦﴾﴾ [المؤمنون: ۱۰۲-۱۰۴].

«و کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است، همان رستگارانند! و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد، کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند! شعله‌های سوزان آتش همچون شمشر به صورتهایشان نواخته می‌شود؛ و در دوزخ چهره‌ای عبوس دارند.»

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالْسَيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [الأنعام: ۱۶۰].

«هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد.»

۷۰- ایمان می‌آوریم به شفاعت عظمی و بزرگی که مختص پیامبر، و آن هم از خداوند شفاعت می‌طلبد تا این که بین مردم، به مصیبتی که بر آنان وارد شده است، از هم و غم و سختی و شدت روز محشر قضاوت نماید؛ پس مردم نزد آدم، سپس نزد نوح، سپس نزد ابراهیم، سپس نزد موسی، سپس نزد عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ رفته تا این که سر انجام به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌رسند.]

۷۱- ایمان می‌آوریم به شفاعتی که مردم را از جهنم بیرون می‌آورد و آن شفاعت، برای رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پیامبران دیگر و مؤمنان و فرشته‌ها می‌باشد.

و اینکه خداوند متعال، گروهی از مؤمنان را از جهنم بیرون می‌آورد بدون شفاعت کسی، بلکه به فضل و رحمت خداوندی.

۷۲- ایمان می‌آوریم به حوض رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و این که آب آن سفیدتر از شیر، و شیرین‌تر از عسل است، و بوی آن بهتر از بوی خوش مشک می‌باشد. طول آن به مسافت رفتن يك ماه، و عرض آن نیز همان قدر است. ظرف‌های آن مانند ستارگان آسمان، زیاد و زیبا هستند و مؤمنان امت محمدی، بر آن وارد می‌شوند و هرکس که از آن حوض بنوشد، بعد از آن هرگز تشنه نخواهد شد.

۷۳- ایمان می‌آوریم به صراط. و آن پلی است که بر جهنم نصب شده و مردم به قدر و اندازه اعمال و کردار خود از روی آن می‌گذرند، اولین آن‌ها مانند برق عبور می‌کند، سپس بعد از آن همانند باد، سپس مانند پرنده‌ای و شد الرحال^(۱) رسول الله ﷺ بر پل ایستاده و می‌فرماید: بارخدا یا! نجات ده، نجات ده، تا اینکه اعمال (بندگان) کم و ناتوان می‌گردد، و کسانی بیایند که از پل بطور خزیدن عبور کنند، و در دو طرف پل، قلاب‌هایی آویزان است و مأمورند کسی را که به آنان امر شود، بگیرند و به آنان خدشه وارد شده و مجروح می‌شوند و سپس نجات می‌یابند و دیگران به آتش جهنم می‌افتند.

۷۴- ایمان می‌آوریم به تمامی آن چه در قرآن و سنت پیامبر ﷺ از اخبار و سختی و هراس آن روز آمده است، خدا ما را از آن نجات دهد.

۷۵- ایمان می‌آوریم به شفاعت پیامبر ﷺ نسبت به اهل بهشت تا این که به آن داخل شوند و آنهم [شفاعتی که] مخصوص پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد.

۷۶- ایمان می‌آوریم به بهشت و دوزخ و این که بهشت دار النعیم است که خداوند آن را برای مؤمنانِ پرهیزگار، مُهیا کرده و در آن نعمت‌هایی است که هرگز چشم مانند آن ندیده، گوش مانند آن نشنیده، و دلِ بشر، مانند آن تصور نکرده است: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: ۱۷].

«هیچ کس نمی‌داند چه پادشاهای مهمی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پادشاهان کارهایی است که انجام می‌دادند».

(۱) مانند حیوانیکه بر آن بار حمل کنند. در روایت دیگری آمده «کأجويد الخيل»، یعنی مانند

و جهنم، دار العذاب است که خداوند آن را برای کافران ستمگر، مُهیا ساخته و در آن عذابی هولناک و شدید است که هرگز در تصور هیچ بشری، خطور نکرده است: ﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿۱۹﴾ [الکهف: ۲۹].

«ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سرپرده‌اش آنان را از هر سو احاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان میاورند که همچون فلز گداخته صورتها را بریان می‌کند! چه بد نوشیدنی، و چه بد محل اجتماعی است».

و آن دو؛ یعنی بهشت و دوزخ، اکنون وجود دارد و هیچ‌گاه فانی نشده و از بین نخواهد رفت. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ﴿۱۱﴾ [الطلاق: ۱۱].

«و هرکس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد (و این راه را تداوم بخشد خداوند) او را در باغهایی از بهشت وارد می‌سازد که از زیر (درختانش) نه‌ها جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است».

﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكُفْرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿۶۴﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَايًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿۶۵﴾ يَوْمَ ثُقُلَتِ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ﴿۶۶﴾ [الأحزاب: ۶۴-۶۶].

«خداوند کافران را لعن کرده (و از رحمت خود دور داشته) و برای آنان آتش سوزاننده‌ای آماده نموده است، در حالی که همواره در آن تا ابد می‌مانند، و ولیّ و یآوری نخواهند یافت! در آن روز که صورتهای آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد

شد (از کار خویش پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: «ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم».

۷۷- ما شهادت می‌دهیم به بهشت رفتن کسانی را که قرآن و سنت پیامبر ﷺ آن را بیان کرده، چه کسانی که پیامبر با نام، آن‌ها را معلوم کرده، و چه کسانی که به وسیله صفت و نشانه‌ای، معین و مشخص شده‌اند؛ مانند: ابوبکر، عمر، عثمان و علی رضی الله عنهم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن‌ها را نام برده است. چه آنانی که به سبب صفت و اعمالشان به بهشت وارد می‌شوند؛ مانند: هر مؤمن یا هر شخص پرهیزگار و متقی.

۷۸- ما شهادت می‌دهیم به دوزخ رفتن کسانی را که قرآن و سنت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آن‌ها را بیان کرده است؛ چه با نام، و چه با وصف آنها. از کسانی که نام برده شده‌اند ابولهب و عمرو بن لحي الخزاعي و مانند این‌هاست، و از کسانی که وصفشان آمده است: هر کافر و مشرکی که شرك اکبر دارد و همه منافقان.

۷۹- ایمان می‌آوریم به سختی قبر و سؤال و پرسش از مرده در قبرش؛ از معبود، دین و پیامبر او، پس: ﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ [ابراهیم: ۲۷].

«خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می‌دارد؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر».

انسان مؤمن در این جا می‌گوید: معبود من خدا، دین من اسلام، و پیامبر من محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

اما انسان کافر و منافق می‌گوید: نمی‌دانم؛ شنیدم مردم چیزی می‌گویند، من هم همان را گفتم.

۸۰- ایمان می‌آوریم به نعمت و آسایش قبر برای مؤمنان؛ چنان‌که خداوند

می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۳۲﴾ [النحل: ۳۲].

«همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند؛

به آنها می‌گویند: «سلام بر شما! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام

می‌دادید!».

۸۱- ایمان می‌آوریم به عذاب قبر برای ظالمان کافر؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ

تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ

أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَىٰ

اللَّهِ غَيْرِ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿۹۳﴾ [الأنعام: ۹۳].

«و اگر ببینی هنگامی که (این) ظالمان در شداید مرگ فرو رفته‌اند، و فرشتگان

دستها را گشوده، به آنان می‌گویند: «جان خود را خارج سازید! امروز در برابر

دروغهایی که به خدا بستید و نسبت به آیات او تکبر ورزیدید، مجازات خوارکننده‌ای

خواهید دید!» (به حال آنها تأسف خواهی خورد)».

احادیث در این باره زیاد وارد شده است و برای مؤمن روشن و آشکار است؛ پس

بر هر انسان مؤمن، واجب است که به آن چه در قرآن و سنت رسول الله ﷺ از

امور غیبی وارد شده است، ایمان بیاورد و به آن چه در دنیا مشاهده می‌کند با آن

جدال و مقابله نکند، و آن را مورد تکذیب قرار ندهد؛ زیرا بین دنیا و آخرت فرق

بسیار است. والله المستعان.

فصل

(ایمان به قضا و قدر)

۸۲- ایمان می‌آوریم به قضا و قدر و خیر و شر آن، و آن هم تقدیر و سرنوشت خدا برای آفریدگان و خلائق. چنان که علم خدا بر آن سرنوشت، حکم کرده است.

قضا و قدر چهار مرتبه دارد:

مرتبه اول: مرتبه علم است. ایمان می‌آوریم که خداوند متعال (با علم ازلی و ابدی خود) بر همه چیز عالم و داناست، دانا بر آن چه بوده، و آن چه خواهد بود، و بر چگونگی آن علم جدیدی برای وی به میان نمی‌آید که مسبوق به جهالت باشد، و بعد از علم فراموشی برایش عارض می‌شود.

مرتبه دوم: مرتبه نوشتن (آن علم است). ایمان می‌آوریم که خداوند متعال آن چه مقدر و سرنوشت است تا روز قیامت در لوح محفوظ نوشته است: ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [الحج: ۷۰].

«آیا نمی‌دانستی خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟! همه این‌ها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی‌پایان پروردگار)؛ و این بر خداوند آسان است».

مرتبه سوم: مرتبه مشیت و خواست خداست: ایمان می‌آوریم به اینکه خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است خواسته و هیچ چیز جز به مشیت و اراده او نخواهد بود، هر چه را که خدا خواهد می‌شود، و آن چه نخواهد، نمی‌شود.

مرتبهٔ چهارم: مرتبه خلقت و آفرینش است. ایمان می‌آوریم به اینکه: ﴿اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ ﴿۳۲﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿۳۱﴾ [الزمر: ۶۲-۶۳].

«خداوند آفریدگار همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه اشیا است. کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست».

این مراتب چهارگانه شامل آن چه از خود باری تعالی و آن چه از بندگان خواهد بود، می‌باشد.

پس هر چه بنده از گفتار و کردار و غیر آن انجام می‌دهد برای خداوند واضح، آشکار و معلوم است و خداوند آن را خواسته و به وجود آورده است: ﴿لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ﴾ ﴿۲۸﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۲۹﴾ [التکویر: ۲۸-۲۹].

«برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم پیش گیرد. و شما اراده نمی‌کنید مگر این که خداوند - پروردگار جهانیان - اراده کند و بخواهد».

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلْتُمْ وَلَكِنَّا اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ ﴿۵۳﴾ [البقرة: ۲۵۳].
«اگر خدا می‌خواست، با هم بیکار نمی‌کردند؛ ولی خداوند، آنچه را می‌خواهد، (از روی حکمت) انجام می‌دهد».

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾ ﴿۳۷﴾ [الأنعام: ۱۳۷].
«و اگر خدا می‌خواست، چنین نمی‌کردند (زیرا می‌توانست جلو آنان را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد) بنابر این، آنها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار (و به آنها اعتنا مکن)».

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾ ﴿۶۱﴾ [الصافات: ۹۶].
«با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی که می‌سازید».

اما با این حال، ایمان می‌آوریم که خداوند برای بنده خود اختیار و قدرت قرار داده تا با آن، عمل خود را انجام دهد و نشانی بر این که بنده با خواست و اراده و اختیار خود عمل انجام می‌دهد:

[دلیل] اول: خداوند می‌فرماید: ﴿فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ﴾ [البقرة: ۲۲۳].

«پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید».

و می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً﴾ [التوبة: ۴۶].

«اگر آنها (راست می‌گفتند، و) اراده داشتند که (بسوی میدان جهاد) خارج شوند، وسیله‌ای برای آن فراهم می‌ساختند».

پس آمادگی و مهیا شدن برای جنگ را با اراده مطلق و خواست خود، بر بنده خود، ثابت کرده است.

[دلیل] دوم: توجیه امر و نهی به بنده. اگر بنده اختیار و قدرت نداشت، امر و نهی کردن به او از جمله تکالیفی بود که توانایی انجام آن را نداشت، و این امری است که حکمت خداوندی و رحمت او نمی‌پذیرد و از آن دوری می‌کند. خداوند در خبر صادق و راستین قرآن می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ [البقرة: ۲۸۶].

«خداوند هیچکس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند».

[دلیل] سوم: ستایش نیکوکار به خاطر احسان و نیکی، و نکوهش بدکار بر عمل بد و ناشایست او. جزای هر کدام به آن چه سزاوارش هستند. اگر عمل و کردار بنده با اراده و اختیارش انجام نمی‌شد، مدح نیکوکار، بی‌نتیجه و کيفرِ بدکار، ظلم به شمار می‌آمد و خداوند از کار بی‌ارزش و بی‌نتیجه و ظلم، منزّه و پاک است.

[دلیل] چهارم: این که خداوند رسولانی را فرستاده است: ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ [النساء: ۱۶۵].

«آنان پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود؛) و خداوند، توانا و حکیم است».

اگر اعمال و کردار بنده با اراده و اختیار او انجام نمی‌گرفت حجت و برهان خدا در فرستادن رسولان و پیامبران، باطل می‌شد.

[دلیل] پنجم: هرکس احساس می‌کند که عملی را انجام می‌دهد، یا آن را ترک می‌کند، بدون آن که حس کند کسی او را به انجام آن کار وادار کرده است؛ مثلاً با اراده مطلق و خالص خودش برمی‌خیزد، و می‌نشیند، داخل می‌شود، و خارج می‌گردد، مسافرت می‌کند، و ساکن می‌شود، بدون آن که هیچ احساس زور و اجبار در او به وجود آید، البته که فرق زیادی است میان کسی که به انجام چیزی اجبار شود، تا کسی که با اختیار مطلق، کاری را انجام دهد. آیین اسلام نیز بین این دو؛ یعنی اجبار و اختیار، فرق گذاشته است، پس هرکس عملی را انجام دهد و در انجام آن عمل ناگزیر و مجبور باشد، شرع و آیین اسلام، او را در آنچه به خدای باری تعالی تعلق دارد، مورد بازخواست قرار نخواهد داد.

۸۳- ما معتقدیم هیچ حجتی برای گناهکار در گناهِش به خاطر قضا و قدر وجود ندارد، زیرا که گناهکار گناه را به اختیار خود انجام داده است، بدون آن که بداند که خداوند آنرا از قبل برای او سرنوشت کرده باشد، زیرا هیچ کس از سرنوشت باخبر نیست مگر بعد از وقوع آن عمل: ﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا﴾ [لقمان: ۳۴].

«و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد».

پس چرا [گناهکار] دلیلی می‌آورد که قبلاً در هنگام انجام آن کار، از آن بی‌خبر است و عذر می‌آورد که این، قضا و قدر خداست؟ خداوند، استناد کردن آن‌ها به آن دلیل را با آیه زیر باطل می‌فرماید: ﴿سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا

وَلَا ءَابَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٨﴾ [الأنعام: ۱۴۸].

«بزودی مشرکان (برای تبرئه خویش) می‌گویند: «اگر خدا می‌خواست، نه ما مشرک می‌شدیم و نه پدران ما؛ و نه چیزی را تحریم می‌کردیم!» کسانی که پیش از آنها بودند نیز، همین گونه دروغ می‌گفتند؛ و سرانجام (طعم) کیفر ما را چشیدند. بگو: «آیا دلیل روشنی (بر این موضوع) دارید؟ پس آن را به ما نشان دهید؟ شما فقط از پندارهای بی‌اساس پیروی می‌کنید، و تخمینهای نابجا می‌زنید.»

۸۴- ما خطاب به گناهکاری که به قضا و قدر استناد می‌کند، می‌گوییم: چرا فرمان خدا را اجرا نکردی؟ ممکن بود خداوند این را برای تو سرنوشت کرده بود؛ زیرا وقتی انسان پیش از انجام کار، به سرنوشت جاهل باشد هیچ فرقی بین طاعت و معصیت برای او نیست، به همین سبب وقتی رسول الله ﷺ به صحابه فرمودند: «بَأَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ قَدْ كَتَبَ مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَمَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ قَالُوا: أَفَلَا نَتَكَلَّمُ بِعَمَلِنَا؟ قَالَ: لَا، اَعْمَلُوا فَلَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ ﷺ» [البخاری].

«جایگاه هر کس، در بهشت و دوزخ نوشته شده است، صحابه گفتند: آیا توکل به خدا کرده، انجام عمل و کار را ترک کنیم؟ آن حضرت ﷺ فرمود: نه، عمل را انجام دهید؛ زیرا هر کسی آن چه بر او نوشته شده انجام می‌دهد.»

۸۵- باز خطاب به گناهکاری که قضا و قدر را دلیل گرفته می‌گوییم: اگر بخواهی به مکه مکرمه سفر کنی و مکه دو راه داشت و شخصی راستگو به تو بگوید که یکی از این دو راه، خطرناک و دشوار است و راه دیگر آسان و ایمن است، پس حتماً راه دومی را انتخاب خواهی کرد و ممکن نیست راه اولی را برگزینی

و می‌گویی این سرنوشت من است، و اگر راه اولی را انتخاب کنی، مردم تو را دیوانه می‌دانند.

۸۶- همچنین به او می‌گوییم: اگر دو کار به تو محول کنند و معاش ماهانه یکی از آن‌ها بیشتر باشد، حتماً تو آن کار را بر خواهی گزید که معاش زیادتری دارد؛ پس چه طور و چگونه برای روز رستاخیز خود، آن چه را بدتر و دارای ثواب کم‌تر است انتخاب می‌کنی و می‌گویی این قضا و قدر و سرنوشت من است؟!؟

۸۷- به او می‌گوییم وقتی به مرضی مبتلا شدی، در هر مطب و دکتری را می‌زنی تا تو را درمان کند و به آن چه از درد و سختی جراحی و تلخی دارو بر تو وارد می‌شود صبر می‌کنی؛ پس چرا با قلب مریض خود، این کار را نمی‌کنی و بیماری گناه و معصیت آن را معالجه نمی‌کنی؟

۸۸- ما ایمان می‌آوریم که شر و بدی به خداوند نسبت داده نمی‌شود؛ زیرا رحمت و حکمت او کامل است. رسول الله ﷺ می‌فرماید: «والشر ليس إليك» [مسلم].

شر و بدی نزد تو وجود ندارد.

پس هیچ‌گاه در قضا و قدر خداوند، ابدأ شر نیست؛ زیرا [قضا و قدر] از حکمت و رحمت او صادر می‌شود، و شر در مخلوقات و مقتضیات او می‌باشد؛ چنان که رسول الله ﷺ به حسن بن علی رضی الله عنه در دعای قنوت چنین آموخت: «وقتی شر ما قضیت» «مرا از شری که قضا کردی دور فرما» و شر و بدی به آن چه قضا فرموده اضافه کرد. با این حال، شر موجود در آن چه قضا شده است، شر و بدی محض و مطلق نیست، بلکه از يك جهت شر و بدی است که در محل آن است، و در جهت دیگر خیر است، یا در این جا شر، و در جای دیگر خیر است؛ مثل فساد در زمین، و خشکی و قحطی و مرض و فقر و گرسنگی و ترس، شر و بدی است، ولی در جای

دیگر خیر است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الروم: ۴۱].

«فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند».

همچنین قطع کردن دست دزد و سنگسارکردن زناکار برای آن‌ها شر است؛ زیرا دست دزد قطع می‌شود و جان زناکار از بین می‌رود، ولی از جهت دیگر برای آن‌ها خیر است؛ چون کفاره گناهان آن‌ها خواهد بود، و کیفر دنیا و آخرت با هم جمع نخواهد شد، و از جهت دیگر نیز خیر است؛ زیرا در آن حمایت از اموال و ناموس و نژاد بشر است.

فصل

(ثمرات و فایده‌های عقیده صحیح)

۸۹- این عقیده^۱ بلند و عالی، در برگیرنده^۲ اصولی عظیم و بزرگ است، و به کسی که به آن معتقد باشد، ثمره و فایده‌های بسیاری می‌رساند مانند:

ایمان به خدای تعالی، و نام و صفت‌های او، که به بنده ثمره^۳ محبت و بزرگداشت او را می‌بخشد و موجب اطاعت و پیروی از فرمان‌های [خدا] و دوری از نواهی خواهد شد؛ زیرا اطاعت و پیروی از اوامر و اجتناب از نواهی، بیار آورنده سعادت در دنیا و آخرت برای فرد و جامعه می‌شود: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةًۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۹۷].

«هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.»

۹۰- [شماری] از ثمره‌ها و فایده‌های ایمان به فرشتگان عبارتند از:

اول: علم و شناخت بزرگی و عظمت آفریننده آنها و قدرت و پادشاهی او سبحانه.

دوم: شکر و سپاس باری تعالی به خاطر عنایت بر بندگان و سرپرستی آنها؛ چنان‌که این فرشتگان را موکل کرده تا از آنها حفاظت و نگهداری کنند و اعمال و کردارشان را بنویسند و نیز فایده‌های دیگر.

سوم: محبت و دوستی فرشتگان بسبب عبادتی را که به طور کامل انجام داده‌اند و بسبب استغفارشان برای مؤمنان.

۹۱- از ثمره‌ها و فایده‌های ایمان به کتاب‌های خدا:

اول: علم و معرفت به رحمت خداوند تبارک و تعالی و عنایت و توجه او به بندگان خود؛ چنان که برای هر قوم و نژادی، کتابی جهت هدایت و راهنمایی آن‌ها فرستاده است.

دوم: آشکار شدن حکمت خداوندی هنگامی که راه را برای بندگان روشن و معین فرمود و کتاب‌ها را برای هر امتی - آنچه مناسب آن‌هاست - فرستاد و آخرین این کتاب‌ها قرآن مجید است که مناسب تمام انسان‌ها در هر زمان و مکان تا روز قیامت می‌باشد.

سوم: سپاس و شکر، از خداوند متعال به خاطر نعمت‌هایش.

۹۲- فواید ایمان به پیامبران:

اول: علم و شناخت رحمت خداوندی و عنایت الهی بر بندگان؛ زیرا پیامبرانی برای هدایت و راهنمایی آنان فرستاده است.

دوم: شکر و سپاس از خداوند به خاطر این نعمتهای بزرگ.

سوم: محبت و دوست داشتن پیامبران و احترام و بزرگداشت و مدح و ثنای آنان به آنچه شایسته آن هستند؛ زیرا آن رسولان و پیامبران از بهترین بندگان خدا هستند، برای عبادت و تبلیغ پیام خدا و نصیحت بندگان. رسولانی که در برابر آزار و اذیت بندگان، صبر و شکیبایی کردند.

۹۳- از فایده‌های ایمان به روز آخرت:

اول: حریص بودن بر طاعت و فرمان باری تعالی از روی رغبت به خاطر پاداش روز قیامت و پرهیز از معصیت و گناه به جهت ترس از کیفر آن روز.

دوم: دل خوشی و تسلی مؤمن در برابر حرمان از نعمت‌های دنیا و امیدوار بودن به نعمت و خوشی‌های که در آخرت نصیب وی خواهد شد.

۹۴- از فواید ایمان به قضا و قدر (سرنوشت):

اول: اعتماد به خداوند در انجام هر کار؛ زیرا کار و سبب انجام آن، منوط به قضا و قدر خداوند متعال است.

دوم: راحت روح و جان و اطمینان قلب؛ وقتی انسان بداند که این قضا و قدر خداست و مکروه و شر و بدی حتماً وجود دارد، جان و روح او آسوده خواهد شد و قلب او به قضا و قدر، اطمینان پیدا خواهد کرد. بنابر این هیچ کس زندگی‌اش بهتر و روح و جان‌ش پاک‌تر و اطمینانش قوی‌تر از فردی که ایمان به قضا و قدر دارد، نیست. سوم: دور کردن غرور و خودپسندی از روح و جان هنگامی رسیدن به آرزو و هدف؛ زیرا آن نعمت از تقدیر و سرنوشت خداست که به دست آوردنش فقط با مہیا نمودن اسباب خیر ممکن است و پیروزی از جانب خداوند بوده است. در این جا خدای را به خاطر نعمتش شکر و سپاس می‌گویند و از غرور، خودپسندی و خودبینی، دوری و اجتناب می‌ورزد.

چهارم: دوری از بی‌تابی و پریشانی در باره نرسیدن به هدف و آرزویی، یا واقع شدن شر و بدی؛ زیرا آن [ناکامی] از قضا و قدر باری تعالی است (کسی که مالک آسمان‌ها و زمین است) و آن هم ناگزیر واقع خواهد شد، پس صبر و شکیبایی می‌کند بر آن سختی‌ها، اجر و پاداش را از خداوند می‌طلبد. خداوند می‌فرماید:

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۲۲﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۲۳﴾﴾ [الحديد: ۲۲-۲۳].

«هیچ مصیبتی در زمین (مانند: قحط باران، ضعف گیاهان، نقص میوه‌ها)، و نه در وجود شما (مانند: آفتها، بیماری‌ها، رنج‌ها، فقر) روی نمی‌دهد مگر اینکه همه

آنها قبل از آنکه آن (زمین، مصیبت، مردم) را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است؛ و این امر برای خدا آسان است! این بخاطر آن است که برای آنچه (از دنیا) از دست داده‌اید تاسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دلبسته و شادمان نباشید؛ و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد!».

در پایان، از خدای تعالی می‌خواهیم تا ما را بر این عقیده، ثابت و استوار گرداند، و ثمره آنرا به ما برساند، و از فضل خود بر ما زیاد فرماید، و قلب ما را بعد از هدایت منحرف نگرداند، و از رحمت خود به ما عطا فرماید.

والحمد لله رب العالمین، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان.

بقلم مؤلف:

محمد بن صالح العثيمين

۳۰/شوال/۱۴۰۴ هـ. ق